یادداشت روز

استراگیجی گاو دوشان!

مسئله شعور و شناخت پدیده‌های پیرامون، حیاتی‌ترین نیاز زندگی است. می‌توان گفت امروز بر سر پیچ بزرگ تاریخ، با آلودگی برخی روشنفکران و سیاستمداران و اصحاب رسانه به آفت بدفهمی یا کژنمایی و بازتاب وارونه مسائل مهم ملی یا بین‌المللی دست به‌گریبانیم. سمت و سوی پیشرفت و اقتدار ما یا عقب رفت و گرفتار تهدیدها شدن را همین شناخت تعیین می‌کند و کفایت سیاستمداران و صلاحیت آنها در تشخیص مصالح ملی را از جمله باید در همین مسئله سنجید.

۱- تمایز میان «بود» و «نمود» (Noumenon-Phenomenon) و «واقعیت» و «مجاز»، از مباحث دیرپای معرفتی است. از مهم‌ترین مسائل شناخت شناسی این است که کدام ذهنیت‌ها با عینیت‌ها سازگار است و کدام نیست؟ فراوانند تصویرها و تصورها از پدیده‌ها که راه به توهم یا حتی به ضدواقعیت می‌برند. خوش‌رنگ و لعابی یک غذای مسموم، چیزی از کُشندگی آن نمی‌کاهد اما فریبنده است؛ همچنانکه خوش خط و خالی یک مار می‌تواند ما را از خطرناکی سمّ نهفته زیر دندان آن غافل کند. مواد روانگردان در نگاه اول، آرامش بخش و شارژکننده هستند اما در باطن، جسم و جان را زایل می‌کنند. ظاهر رشوه و زد و بند، چرب و شیرین است اما باطن آن، چیزی از انسانیت و شرافت و فضیلت باقی نمی‌گذارد.

۲- آدمی به اعتبار همین پیچیدگی‌ها گاه دچار کج فهمی و سوء تفاهم نسبت به مسائل می‌شود خیر و شر را جابه‌جا می‌بیند. درست به همین دلیل پیامبر اعظم و اولیای معصومین (علیهم‌السلام) دائما دعا می‌کردند «اَللّٰهُمَّ اَرِنِی الْاَشْیَاءَ کَمَا هِیَ. خداوندا اشیاء را همان‌گونه که هستند- نه آن‌گونه که در نگاه ظاهری و در بادی امر می‌نمایند- به من نشان بده». موقعیت‌هایی که انسان به ظاهرعاقل و زیرک، بد محاسبه می‌کند و عقل قربانی می‌شود، کم نیست. این تعابیر از امیرمؤمنان (ع) است که «رُبّ عالم قد قتله جهله و علمه معه لا ینفعه»، «کم من عقل اسیر تحت هوی امیر» و «اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع». بسا عالم که جهلش، او را از پا در آورد و علم وی سودی نبخشید. بسا عقل که تحت امارت هوا و هوس به اسارت درآمد. بیشترین قتلگاه‌های عقل زیر بارقه طمع‌هاست.

۳- وقتی عقل مورد دستبرد قرار گرفت، آنگاه مقیاس‌ها و تناسب‌هایی که ابزار سنجش سود و زیان و خیر و شر است، دچار اختلال می‌گردد و به نام مصلحت، بدترین مفسده‌انگیزی و تهدیدآفرینی‌ها انجام می‌شود؛ مسائل فرعی، مهم نمایانده و مسائل اصلی به حاشیه پرتاب می‌شوند. «غیر» در موضع دشمنی دچار بزرگ‌نمایی می‌شود، در حالی که توانمندی‌های «خودی» مورد تحقیر و تخفیف و سرزنش قرار می‌گیرد. اینجا همان موضعی است که سیاستمدار یا روشنفکر مدعی زیرکی، زیان می‌بیند و خسارت به بار می‌آورد. می‌شود حکایت اعتماد به شیطان بزرگ و اینکه پس از ۴ سال نشنیدن صدای ناصحان، فلان سیاستمدار به گلایه بگوید: «داستان مضحکی اتفاق افتاده؛ می‌گویند تعهدی که قبلا بستیم، فعلا قرص و محکم نباشد، درباره موضوع دیگری حرف بزنیم! آمریکا با زبان و عمل می‌گوید که اهل مذاکره و تعهد نیست اما به برخی کشورها می‌گوید بیا با ما مذاکره کن؛ مگر دیوانه‌اند که با شما مذاکره کنند؟».

۴- خطبه ۲۱۵ نهج‌البلاغه (برخی نسخه‌ها ۲۲۴) از جهات مختلف، خطبه شگفتی است. از جمله اینکه ما را دلالت می‌کند به اینکه انسان در اثربسک زندگی خود خواسته، دچار جن زدگی (شیطان زدگی) می‌شود. امام ابتدا به ماجرای درخواست عقیل از بیت‌المال که با آهن تفتیده پاسخ گرفت،اشاره می‌کند و سپس به ماجرای فرد دیگری می‌پردازد که رشوه آورده بود: "وَ أَعْجَبُ مِنْ ذٰلِکَ طَارِقٌ طَرَقَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا... فَقُلْتُ هَبِلَتْکَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِینِ اللهِ أَتَیْتَنِي لِتَخْدَعَنِي أَمُخْتَبِطٌ أَمْ ذُو جِنَّةٍ أَمْ تَهْجُرُ... مَا لَعَلِيَّ وَ لَنَعِیمٍ یَفْنَى وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ وَ بِهِ نَسْتَعِینُ. وَ شگفت‌تر از آن اینکه شب هنگام کسی ما را دیدار کرد، و ظرفی سرپوشیده آورد. درونش حلوایی سرشته و با روغن و قند آغشته. چنانش ناخوش داشتم که گویی آب دهان مار بدان آمیخته با زهر مار بر آن ریخته... گفت ارمغان است. گفتم مادر بر تو بگرید. آمده‌ای مرا از راه دین خدا بگردانی یا خرد آشفته‌ای یا جن‌زده، یا به بیهوده سخن میرانی؟... علی را چه کار با نعمتی که نپاید و لذتی که به سر آید پناه می‌بریم به خدا از خفتن عقل و زشتی لغزش‌ها و از او یاری می‌خواهیم».

۵- برخی مدیران اجرایی و عقبه سیاسی و رسانه‌ای آن به نوعی از خلاء و تهی‌شدگی معنایی رسیده‌اند. کارکرد و عایدی این طیف روز به روز برای مردم نامفهوم‌تر می‌شود. بنابراین مشتاقند مدام مسئله بتراشند و دوقطبی‌های عقل‌سوزی مانند جنگ و صلح، دولت قبل و دولت فعلی و... را به خورد خلایق بدهند تا کمتر کسی متوجه این مسئله شود که قائلان به مدیریت «برجام و تلگرام و دیگر هیچ»! دچار «استراگیجی» (حیرت ناشی از فقدان استراتژی و درایت) هستند و به همین دلیل مجبور به حاشیه‌سازی یا سواری دادن به افراطیون و نفوذی‌هایی شده‌اند که دولت را رحم اجاره‌ای خویش می‌خوانند؛ اروپا و آمریکا که جای خود دارد.

۶- خسارات و تلفات زلزله مهیب در غرب کشور، مردم ما را سوگوار کرد. اولویت ملی در اینجا بسیج همه امکانات برای امدادرسانی به زلزله‌زدگان است. اما به فاصله چند ساعت، رسانه‌های زرد شروع به تسویه حساب بر سر مسکن مهر کردند! تصویر یک ساختمان فروریخته در مصر را منتشر کردند و به عنوان مسکن مهری که در زلزله یکشنبه شب فروریخته جا زدند. تا اینجایش با شناختی که از خباثت برخی از مدیران آن کانال‌ها و شبکه‌های مجازی سراغ داریم، قابل درک(!) است اما همزمان شنیدیم معاون اول رئیس‌جمهور بی‌هیچ بررسی درستی ادعا می‌کند «بیشتر خانه‌های تخریب شده در استان کرمانشاه متعلق به مسکن مهر است»! این در حالی است که اگرادعای آقای جهانگیری درست هم بود، افتتاح ۵۳۷۱ واحد مسکن مهر دراستان کرمانشاه در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۴ توسط مسئولان دولت یازدهم صورت گرفته و طبیعتا آنها باید پاسخگوی تضمین و تایید سلامت ساختمان‌ها باشند.

۷- خبر مهم منطقه کدام است؟ ظاهرا رژیم عربستان برای حزب‌الله لبنان خط و نشان می‌کشد و یمنی‌ها را تهدید می‌کند. مقامات اروپایی نسبت به موشک‌های ایرانی ابراز نگرانی می‌کنند. چنین تلقی یا القا می‌شود که دشمنان محور مقاومت از موضع قدرت می‌خواهند جنگ افروزی کنند و بنابراین باید منفعل بود. رصد دشمنی‌های دشمن اقدام درستی است که اتفاقا در این چند سال مورد غفلت برخی دولتمردان یا رسانه‌های غربگرا قرار گرفته؛ اما بزرگ‌نمایی تهدیدها و ضعیف پنداری یا ضعیف‌نمایی جبهه خودی، موضوع متفاوتی است. کار به جایی می‌رسد که اگر تا دیروز در مقابل آمریکا ابراز ضعف می‌کردند و می‌گفتند در پنج دقیقه می‌توانند تمام توان دفاعی ما را نابود کنند، حالا از عربستان «پیزوری» هیولا می‌تراشند و جبهه داخلی را به خاطر آل‌سعود تخطئه می‌کنند. اما آیا خبر مهم، همین پارس کردن آل‌سعود یا برخی مقامات غربی است که باید برجسته شود؟

۸- خبر مهم این است: هیولای رعب‌انگیز حکومت داعش، همین هفته‌ها درست پیش چشم سازندگان آن نابود شد. خبر بزرگ این روزها، شکستن کمر داعش و راهپیمایی توام با اقتدار و امنیت و آرامش اربعین حسینی است. وهابیت و سلطنت سعودی می‌خواستند داعش، ضمن پیشروی سرطانی، اماکن مقدس را منهدم کند اما همین روزها ۲۵ میلیون زائر شیعه و سنی و مسیحی و...، با راهپیمایی بزرگ اربعین، جنازه داعش که نه، هیمنه آل‌سعود و حامیان عبری و عربی آن را زیر پا گذاشتند. آیا این اتفاق در جنگی که کیسینجر و یعلون (وزیر جنگ اسرائیل) از آن به عنوان «جنگ جهانی سوم» یاد می‌کردند، اتفاق کوچکی است؟ دو سال پیش که فتنه داعش به موازات لشکرکشی به بحرین و سپس حمله به یمن راه افتاد، خاندان سعودی هرچه سبعیت در چنته داشتند، مستقیما یا نیابتی رو کردند اما اکنون در حالی که تقریبا هیچ گزینه جدیدی ندارند، ریاض هدف موشک‌های نقطه زن مقاومت یمن قرار می‌گیرد. نمایش حقارت آل‌سعود از این روشن‌تر عربستانی که در برابر نورس‌ترین شاخه مقاومت در یمن عزیز تحقیر شد، چه غلطی می‌تواند در برابر فرزند برومند و برنای مقاومت در لبنان بکند؟

۹- تحلیلگرانی که غلط زیادی رژیم سعودی را برجسته کردند، جای دوری نروند. کافی است گزارش شبکه دولتی BBC را (به عنوان دولت پایه‌گذار وهابیت و سلطنت آل‌سعود) مطالعه کنند که تاکید می‌کند «راننده لبنانی از ولیعهد عربستان سعودی با عبارت یا عیب‌الشوم (ای لکه ننگ) و طفل مجنون خطاب می‌کرد. این نمونه‌ای از احساس بسیاری از لبنانی‌ها نسبت به عربستان سعودی است، فارغ از اینکه هوادار کدام جریان سیاسی باشند یا از چه مذهبی پیروی کنند. دیگر برای همه قطعی شده که نخست‌وزیرشان در دست سعودی‌ها اسیر است. در عین حال، بیشترشان بر این باورند که این سناریو، شکست خورده است. آگاهان امور منطقه تقریبا هم‌صدا هستند که نقشه بن سلمان از همان آغاز شکست خورده است. در این نقشه قرار بود هواداران سعد حریری مثل ۱۳ سال پیش به خیابان‌ها بریزند و علیه دخالت ایران و سلطه حزب‌الله بشورانند، اما نه‌تنها چنین موجی راه نیفتاد، بلکه جریان سیاسی مستقبل که سعد حریری در رأس آن قرار دارد و اکثریت اهل سنت لبنان را نمایندگی می‌کند، با جریان‌های سیاسی مخالف عربستان سعودی هم‌صدا شد.

بقیه در صفحه ۱۰

محمد ایمانی

گزارش مستند کیهان

ایجاد بحران‌های امنیتی و اقتصادی مأموریت دفتر اتحادیه اروپا در تهران

سرویس سیاسی-

در حالی که معاون اول رئیس‌جمهور از تأسیس دفتر اتحادیه اروپا در تهران خبر داده مهم‌ترین سؤال این است که با وجود سفارتخانه‌های کشورهای قاره سبز، اروپا چه خواب‌هایی برای ایران دیده که تعبیرش را در گرو تاسیس دفتر این اتحادیه در تهران می‌داند؟

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور عصر روز شنبه ۲۰ آبان در دیدار «فیل هوگان» کمیسیونر کشاورزی و توسعه روستایی اتحادیه اروپا با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران از ثبات، آرامش و امنیت بسیار خوبی برخوردار است، گفت: «ایران شریک بسیار معتبری برای اتحادیه اروپاست و این اتحادیه باید حساب ویژه‌ای برای همکاری با ایران باز کند.»

معاون اول رئیس‌جمهور در این دیدار گفته است که «همکاری‌های اقتصادی ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا سابقه‌ای دیرینه دارد و تقریباً اکثر شرکت‌های معتبر اروپایی در اقتصاد ایران در حوزه انرژی، صنعت و کشاورزی حضوری فعال داشته‌اند.»

این موضوع که ایران و اروپا سابقه همکاری اقتصادی در حوزه‌های انرژی، صنعت و کشاورزی داشته‌اند بر کسی پوشیده نیست اما این رابطه چگونه بوده است؟

سابقه اروپا

نگاهی گذرا به سیر قراردادهای اقتصادی، کشاورزی و صنعتی میان اروپا و ایران از اواخر دوره صفویه تاکنون نشان دهنده آن است که همواره اروپاییان ایران را به چشم طعمه دیده‌اند. قراردادهایی مانند قرارداد تنباکو، قرارداد رویترز، قرارداد ۱۹۱۹ و... تنها چند نمونه از آن است. تصور اینکه اروپای اکنون با آن روزگار متفاوت است، به این معنا که تغییر خط مشی داده است تصوری باطل و نادرست است. تنها چیزی که تغییر کرده شیوه اروپایی‌هاست چنانکه برخی متفکران غربی نیز به این نکته‌اشاره کرده و شیوه جدید اروپا و غرب را استعمار نو نامیده‌اند.

نکته دیگر اینکه اروپا به ایران به چشم یک بازار مصرف بزرگ نگاه می‌کند. چنانکه هم اکنون نیز حجم مبادلات میان ایران و اروپا و مقایسه نسبت صادرات و واردات به این منطقه به خوبی گویای این نکته است.

خبر خوب برای آمریکا

نکته دیگر اینکه اروپا ثابت کرده که از خود عزم و اراده‌ای ندارد وقتی آمریکا تصمیم به کاری بگیرد. شرکت‌های اروپایی نظیر توتال ثابت کرده‌اند که به هیچ عنوان پایبندی به تعهدات را در خود احساس نمی‌کنند. معاون اول رئیس‌جمهور نیز ضمن اذعان به این نکته گفته است: «تا پیش از اعمال تحریم‌ها، اتحادیه اروپا شریک نخست تجاری ایران بود و حتی برخی کشورهای عضو این اتحادیه به تنهایی رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده بودند، اما با وضع تحریم‌ها، مبادلات تجاری و همکاری‌های اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا به شدت کاهش پیدا کرد، اما با این وجود اقتصاد ایران مسیر رشد خود را ادامه داد.»

در ادامه این دیدار جهانگیری با اشاره به اینکه پس از اعمال تحریم‌ها، اقتصاد ایران به سمت کشورهای آسیایی و شرق آسیا سوق پیدا کرد، افزود: «پس از توافق هسته‌ای و اجرایی شدن برجام، روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا مجدداً گسترش پیدا کرد و در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ شاهد رشد همکاری‌های اقتصادی هستیم.»

حالا باید از دولت پرسید حفظ مناسبات اقتصادی با همان کشورهایی که در دوره تحریم با ایران همکاری کرده‌اند چه ایرادی دارد که دولت محترم تا این اندازه متمایل به اروپایی است که هر از چندگاه زیرپای ایران را خالی می‌کند؟ چرا باید به سمت آنهایی متمایل شد که به هیچ وجه احساس پایبندی به تعهداتشان ندارند و در آینده نیز ممکن است اعمال گذشته را تکرار کنند؟

بهمن ماه سال گذشته، «مایکل پریجنت» کارشناس مؤسسه هادسون و افسر سابق اطلاعاتی آمریکا در عراق در نشست چندی پیش این مؤسسه با عنوان «برجام در دوران ترامپ» درباره نوع برخورد اروپا با ایران می‌گوید: «خبر خوب این است که کشورهای اروپایی می‌گویند تا وقتی ایالات متحده به ایران اجازه ندهد به شبکه بانکی آمریکا دسترسی پیدا کند، اروپایی‌ها حاضر نخواهند بود با ایران تعامل اقتصادی داشته باشند.»

باز هم همکاری‌های بانکی!

در ادامه این دیدار جهانگیری خطاب به «فیل هوگان» کمیسیونر کشاورزی و توسعه روستایی اتحادیه اروپا گفت که متأسفانه همکاری‌های بانکی میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا آنطور که مورد انتظار بوده است پیش نرفته است. وی در ادامه افزود: «ایران علاقه‌مند است همکاری‌های اقتصادی خود را با اتحادیه اروپا تعمیق کند و ما از سرمایه‌گذاری مشترک با اتحادیه اروپا نه فقط برای بازار ایران، بلکه برای بازارهای منطقه استقبال می‌کنیم.»

معاون اول رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به پیشنهاد کمیسیونر کشاورزی و توسعه روستایی اتحادیه اروپا برای تأسیس دفتر این اتحادیه در تهران جهت پیگیری توافقات، تصریح کرد: «تأسیس دفتر اتحادیه اروپا در تهران می‌تواند به توسعه روابط کمک کند و این موضوع در حال حاضر در دستور کار وزارت امور خارجه ایران قرار گرفته و در حال بررسی است.»

خواب‌هایی که اروپا برای ما دیده

در این باره مهم‌ترین سؤالی که ممکن است ذهن مخاطبان را به خود مشغول دارد این است که تمام کشورهای اروپایی در تهران سفارتخانه دارند. به این واسطه هر شرکتی که بخواهد با ایران به همکاری اقتصادی و تجاری بپردازد از طریق سفارتخانه کشورش می‌تواند اقدام کند، با این وجود تاسیس دفتر اتحادیه اروپا چه ضرورتی دارد؟ اروپا چه خواب‌هایی برای ایران دیده که تعبیرش را در گرو تاسیس دفتر اتحادیه اروپا در تهران می‌داند؟

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

نوه

گفت: معاون اول رئیس‌جمهور در اولین واکنش نسبت به زلزله کرمانشاه گفته است:« بیشتر خانه‌های تخریب شده در استان کرمانشاه متعلق به مسکن مهر بوده است»!

گفتم: ولی مسئله اصلی فاجعه کشته و زخمی شدن صدها تن از هموطنانمان و ضرورت رسیدگی به شرایط سخت آنان است.

گفت: آقایان که دارند از این فاجعه هم برای سرپوش نهادن بر ناکارآمدی خود بهره می‌گیرند و ظاهراً رسیدگی به قربانیان زلزله برایشان در اولویت نبوده است!

گفتم: برخی از خبرنگاران روزنامه‌های زنجیره‌ای هم عکس‌هایی از زلزله مصر و ایتالیا را در کانال تلگرام خود منتشر کرده و زیر آن نوشته‌اند مسکن مهر!

گفت: البته یکی از خبرنگاران روزنامه دولتی ایران هم خطاب به آنها توئیت کرده که« خجالت بکشید! زلزله که زمان احمدی‌نژاد نیومده، مدیریت بحران شما کجاست؟!»

گفتم: چه عرض کنم؟! معلمی از دانش‌آموزش پرسید؛ بزرگ شدی می‌خواهی چه‌کار کنی؟ گفت؛ عروسی می‌کنم. معلم پرسید؛ منظورم این است که چه می‌شوی؟ گفت؛ داماد. پرسید؛ منظورم این است که چه به دست می‌آوری؟ گفت؛ همسر! معلم که عصبانی شده بود گفت؛ برای پدر و مادرت چه خواهی آورد؟ گفت؛ نوه!

درباره مواضع اخیر امانوئل مکرون

فرانسه همراهی با آمریکا و آل‌سعود را آشکار کرد پاسخ تهران باز هم قراردادهای شیرین است؟!

سرویس سیاسی-

مواضع این روزهای رئیس‌جمهور فرانسه، همان تکنیک نخ‌نمای اولاند در جریان مذاکرات، درباره احتمال بروز جنگ با هدف ایجاد هراس و کسب امتیازات بیشتر از طرف ایرانی است.

امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه که ظاهرا این روزها محور مطالبه مذاکره با ایران برای محدود کردن برنامه موشکی تهران شده، پس از سفر به ابوظبی و ریاض و دیدار با مقامات این کشور مدعی شده است: مواضع بسیار شدیدی را علیه ایران شنیدم که با عقیده ام سازگار نیست و به نظر من همکاری با عربستان سعودی برای حفظ استقرار منطقه، امری اساسی است.

وی پیش از این نیز در کنفرانسی مطبوعاتی در امارات در اظهاراتی ضدایرانی مدعی شده بود: بسیار مهم است با فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه‌های بالستیکی ایران با قاطعیت برخورد شود، با توجه به شرایط منطقه به نظر می‌رسد امضای توافقنامه هسته‌ای با ایران کافی نبود،البته این سخن به معنی بازنگری در این توافقنامه یا لغو آن نیست، باید درباره فعالیت‌های موشکی ایران، مذاکراتی آغاز شود، ضروری است درباره فعالیت‌های موشکی ایران، تعاملی وجود داشته باشد، ضمن اینکه اگر شرایط ایجاب کند امکان تحمیل تحریم‌هایی علیه این کشور وجود دارد.

مواضع این روزهای امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه تکرار همان تکنیک نخ‌نمای فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری قبلی این کشور در جریان مذاکرات هسته‌ای است. تلاش برای القای احتمال بروز جنگ در صورت عدم انعقاد توافق برجام، تکنیک مذاکراتی بود که فرانسوی‌ها در ایام بحث و بررسی درباره برجام به کار بردند تا با ایجاد هراس بتواند امتیازات بیشتری را از طرف ایرانی کسب کند، آن زمان فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه مدعی شده بود تمام مقدمات برای حمله مشترک آمریکا، کشورهای اروپایی و برخی کشورهای منطقه به مراکز حساس و حیاتی ایران فراهم شده بود و متاسفانه برخی مسئولان دولتی نیز این «دروغ محض» را تکرار کردند.

امروز نیز در شرایطی که فرانسوی‌ها به‌دنبال بازپس‌گیری جایگاه قبلی شرکت‌های بزرگ خود با همین حربه نخ نما شده هستند، نیازمندان به ۳ کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان در ایران، نشانه‌هایی مبنی بر امکان مذاکره درباره توان دفاعی ایران را ارسال کرده‌اند. مقالات و نوشته‌هایی در باب ضرورت مذاکره با اروپا آن هم به بهانه حفظ برجام در برخی جراید حامی دولت نشان داد این جریان دنبال فضاسازی برای مذاکره بر سر برنامه موشکی هستند.

در همین رابطه نشریه العرب گزارش داد امانوئل مکرون می‌داند برای داشتن حضوری محوری در منطقه خاورمیانه لازم است در این مرحله از تلاش برای جمع بین امور متناقضی که شکاف زیادی بین آنها ایجاد شده است، دست برداشته و اجازه دهد مرحله منطقه‌ای تازه‌ای آغاز شود که عربستان سعودی در قلب آن قرار دارد.

این نشریه در ادامه آورده است: فرانسه که شرکت‌های بزرگ آن قصد بازپس‌گیری جایگاه قبلی خود در بازار ایران را دارند، می‌بایست انعکاس گزینه‌های خود درخصوص منافع سیاسی‌اش در منطقه را مشخص کند.

گزینه‌های ابرقدرت‌ها که به دنبال همراهی با تحولات منطقه هستند، تنها در ترسیم شکل روابطشان با خلیج‌فارس یا ایران نمود می‌یابد و نمی‌توانند در آن واحد با هر دو طرف مرتبط باشند.

به گفته یک دیپلمات غربی، اکنون فصل انتخاب است، نه زمان نشست روی دیواری در بینابین دو طرف و استفاده از فرصت‌هایی که از دو جهت فراهم می‌شود.

تحلیلگران در پایتخت فرانسه نیز توجه زیادی به سفر مکرون به عربستان و دیدار وی با بن سلمان داشتند.

مجامع دیپلماتیک غربی در پاریس، تحول چشم گیری را در موضع فرانسه نسبت به ایران ملاحظه کردند؛ تا آنجا که رئیس‌جمهور فرانسه که همواره از تمسک خود به توافق هسته‌ای با ایران سخن می‌گفت، اعلام کرد این توافق دیگر کفایت نمی‌کند و لازم است تعدیل‌هایی در آن وارد شده و اقداماتی برای مهار نفوذ ایران در منطقه اتخاذ شود.

خبر ویژه

۴۰ نماینده جدا شدند فراکسیون «امید» منحل شد

فراکسیون «امید» به پایان راه رسید. گردانندگان این فراکسیون پس از چند بار کاهش اعضا اکنون تصمیم گرفته‌اند نام فراکسیون را از «امید» به «اصلاح‌طلبان» تغییر دهند.

روزنامه آرمان با پیش‌بینی انحلال فراکسیون موسوم به امید نوشت: این روزها ابرهای تیره در برخی نقاط در حال حرکت است؛ ابرهایی که دیگر مانند قبل بارانی با خود ندارند تا نمایانگر طراوت و روزهای خوب باشند. انتقادات به فراکسیون امید زیاد شده است. واقعیت این است که ائتلاف به معنی حضور همه اعضا از یک طیف و گروه نیست، بلکه حضور افراد دارای محبوبیت از طیف‌های مختلف در ائتلاف برای رسیدن به هدف، یعنی پیروزی است. چنانکه اگر اصلاح‌طلبان به پیروزی طیف خود به تنهایی اعتقاد داشتند، هیچ‌گاه اقدام به دعوت از اصولگرایان میانه‌رو نمی‌کردند تا امروز با مشکلاتی مواجه شوند که شاید تصور آن را نداشتند. غیرقابل انکار است که محمدرضا عارف در جایگاه ریاست فراکسیون امید تلاش زیادی برای وحدت اعضای این فراکسیون در مجلس دارد، اما زمانی شرایط به سمتی حرکت می‌کند که نه جای نقد به رفتار اعضای فراکسیون است و نه می‌توان ادعا کرد که وحدت کامل در فراکسیون امید برقرار است. مانند ماجرای رأی به وزیر علوم که در نهایت منجر به تصمیم غیرفراکسیونی شد. از معرفی کابینه در مرحله اول و رأی ندادن به حبیب‌الله بی‌طرف گرفته تا به اجماع نرسیدن در مورد رأی دادن یا ندادن به منصور غلامی و یا نمونه واضح‌تر آن رای ندادن به عارف برای ریاست مجلس که هنوز علت این تصمیم فراکسیون امید مشخص نیست، همه و همه موضوعاتی قابل بحث و بررسی هستند. دو سال از عمر فراکسیون امید می‌گذرد و شرایط این فراکسیون به مثابه پایان ماه عسل است که در آن اختلافات به تدریج نمود پیدا می‌کند. برخی اعضا صراحتا اعلام کردند مواضعشان متفاوت از اصلاح طلبان یعنی اکثریت اعضای فراکسیون است و برخی دیگر ترجیح دادند سکوت کنند، اما در زمان رأی‌گیری هر آنچه خواستند انتخاب کنند عارف شاید بیش از دیگران از عدم انسجام در فراکسیون امید ضرر کرد، چنانکه چندی قبل از کسانی که با فهرست امید وارد مجلس شدند و راه خود را جدا کردند، گلایه و بر ضرورت انتشار فهرست تاکید کرد.

ناصر قوامی نماینده مجلس ششم به آرمان گفت: «به نظر من بهترین راه این است که آقای عارف فراکسیون امید را منحل کرده و یک فراکسیون اصلاح طلبان تشکیل دهند. در این صورت مشخص خواهد شد که چه کسانی به اصلاح‌طلبان وفادار هستند.» قوامی با تاکید بر اینکه فراکسیون امید در این مدت بسیار ناتوان بوده، گفت: «مشکل این فراکسیون آن است که از ابتدا راه را اشتباه رفتند.»

در همین حال سایت «فرارو» در گزارشی نوشت: دو سال از آغاز به کار فراکسیون امید می‌گذرد اما اصلاح‌طلبان بهارستان نتوانسته‌اند انتظار هم‌طیفان خود را جلب کنند. بعد از اینکه محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید در جلسه رأی اعتماد وزرای علوم و نیرو اعلام کرد که این فراکسیون نتوانسته به جمع‌بندی برسد که به غلامی گزینه پیشنهادی وزارت علوم رای اعتماد بدهد یا خیر و اعضای فراکسیون می‌توانند آتش به اختیار عمل کنند، بر شدت انتقادها به عملکرد آنها افزوده شد.

مدتی قبل نایب رئیس فراکسیون مستقلین که خود با لیست امید وارد مجلس شده بود به نکاتی اشاره کرد که حاکی از ضعف‌ها و شکاف‌های جدی در فراکسیون امید بود. غلامعلی جعفرزاده با اشاره به برخی انتقادها نسبت به عدم همراهی تعدادی از اعضای «لیست امید» با این فراکسیون در مجلس دهم و تاسیس فراکسیونی به عنوان «مستقلین» اعلام کرد، واقعیت این است که از همان روز نخست که وارد مجلس شدیم، احساسمان این بود که قول و قراری که در انتخابات با مردم داشتیم، با این فراکسیون امید محقق نمی‌شود.

وی گفت: دلایل بسیاری وجود دارد که چندان تمایل به اظهارنظر درباره آن ندارم. قطعا برای همه اعضای این فراکسیون احترام خاصی قائلم و اما واقعیت این است که به اصطلاح یک نوع «گپ» یا «شکاف» در این فراکسیون دیده می‌شود.

همچنین عبدالرضا هاشم‌زایی عضو فراکسیون امید به فرارو گفت: «زمانی که وارد مجلس شدیم در جلسات نخست فراکسیون، حدود ۱۲۰ نفر حضور داشتند که این نتیجه آن ائتلاف بود. اما آرام آرام هر جلسه این تعداد کمتر شد و متوجه شدیم که اصولگرایانی که ما آنها را در لیست امید قرار داده بودیم فراکسیون مستقلین را تشکیل دادند. به هرحال تعداد فراکسیون امید از آن عدد اولیه کاهش پیدا کرد و به ۸۵ نفر رسید.

او افزود: «در زمان رای اعتماد وزرا دولت دوازدهم، فراکسیون امید با برخی افراد به شدت مخالفت کرد و حتی اگر به تعداد مخالفان این وزرا مراجعه شود می‌بینید که حدود ۸۰ نفر مخالفت کردند. البته نمی‌خواهم بگویم که همه اینها از فراکسیون امید بودند اما به هر حال ما رای منفی دادیم اما با توجه به اینکه بعضا برخی افراد رای غیر فراکسیونی می‌دهند و ما هم تعدادمان زیاد نیست، نمی‌توانیم حرفمان را به کرسی بنشانیم.»

آقای ظریف! کابوس سوریه را مدافعان حرم برطرف کردند و نه مذاکره

همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب و مشاور کروبی می‌گوید ظریف دچار رویااندیشی است.

داریوش سجادی در یادداشتی نوشت: «محمدجواد ظریف در توئیتر اعلا کرد: به هر اندازه که در پایان دادن به کابوس سوریه از طریق گفت‌وگویی فراگیر نزدیک می‌شویم، همین کار را برای یمن هم باید انجام دهیم. نباید بحران تازه‌ای به وسیله بمباران، تهدید و یا استعفا تحمیل شود. هیچ بحرانی نیست که با دیپلماسی قابل حل نباشد. ما یک بار آن را ثابت کردیم.

آقای ظریف - حال شما خوبه؟

در پایان دادن به کابوس سوریه از کدام گفت‌وگوی فراگیر حرف می‌زنید؟! ظاهرا بعد از شکست برجام مبتلا به رویااندیشی شده‌اید!

کابوس سوریه با سرانگشت تدبیر و رشادت سردار سلیمانی و نیروهای تحت امر ایشان و امثال محسن حججی‌ها مرتفع شد. شما و دیپلماسی تعامل و گفت‌وگوی‌تان کجای این ماجرا بودید که اینک از میانه راه رسیده و غنیمت جنگی می‌طلبید؟!

هاآرتص: اسرائیل نباید با تحریک عربستان به جنگ حزب‌الله برود

یک روزنامه صهیونیستی با لحنی هشدارآمیز نوشت: اسرائیل باید مراقب باشد تا با طناب عربستان سعودی وارد چاه جنگ با حزب‌الله و ایران که سرانجام آن معلوم نیست، نشود.

هاآرتص به قلم دانیل شاپیرو سفیر سابق آمریکا در اسرائیل نوشت: با وجود آنکه استعفای ناگهانی سعد حریری به تهدیدهای حزب‌الله علیه اسرائیل نیز ربط پیدا می‌کند اما با این وجود اسرائیل نباید با تصمیمات عجولانه ریاض وارد یک رویارویی زودرس با حزب‌الله و ایران شود. سعد حریری در حالی از پست خود استعفا داد که هیچ وقت در خدمت‌رسانی به کشورش دست برنده نداشت، او حتی با کمک عربستان یک امپراطوری اقتصادی و مالی بزرگ نیز برای خودش در منطقه فراهم آورد.

هاآرتص در ادامه می‌نویسد: بعد از ملک عبدالله، ملک سلمان بن عبدالعزیز آل سعود و فرزندش محمدبن سلمان شمشیر مخالفت با ایران و منافع منطقه‌ای آن را از رو بسته و تصمیم گرفتند با ایران در یمن، سوریه و لبنان رویارو شوند. پس از آن بود که مصایب جدی حریری آغاز شد. البته با آغاز جنگ داخلی سوریه، روند توازن قدرت در لبنان نیز رو به وخامت گذاشت چرا که حزب‌الله با کمک تسلیحاتی ایران بر حمایت نظامی از بشار اسد افزود در نتیجه آینده بشار اسد هم با حمایت‌های ایران و حزب‌الله تقویت و تثبیت شد.

سعودی‌ها دریافتند که با ادامه حکومت بشار اسد در سوریه و شکست شورشیان آن کشور که از قضا تحت امر عربستان هم هستند، دیگر نمی‌توانند کاری در آن کشور از پیش ببرند و لذا به ناچار متوجه لبنان شدند و امیدوارند قافیه سیاست خارجی خود را حداقل در آن کشور از دست ندهند.

به همین دلیل، سعودی‌ها این بار با بیرون کشیدن سعد حریری از مدار قدرت در لبنان سعی دارند مسئولیت‌های این تصمیم شخصی خود را به عهده حزب‌الله بیاندازند.

آنها سعی می‌کنند حزب‌الله را به یک جنگ مستقیم با اسرائیل سوق دهند اما اسرائیل باید هوشیاری خود را حفظ کرده و مستقل از عربستان تصمیم بگیرد و دقیقا بررسی کند که آیا زمان واقعی برای این رویارویی با ایران فرا رسیده است یا خیر؟

سران اسرائیل باید مراقب باشند تا خود را به واسطه مانورهای متحدان منطقه‌ای خود در ریاض وارد یک جنگ زودرس با ایران نکنند چون هنوز نمی‌توان آینده مشخصی برای این جنگ تصور کرد.

برخی رسانه‌ها در داخل به سربازان دشمن تبدیل شده‌اند

برخی رسانه‌ها و سیاسیون به مثابه شوالیه‌های آمریکا و فرانسه در داخل عمل می‌کنند.

روزنامه جوان در یادداشتی در این‌باره نوشت: رئیس‌جمهور فرانسه که ظاهراً در پروسه تقسیم کار میان اتحادیه اروپا و آمریکا وظیفه زمینه‌سازی برای برجام موشکی و تعدیل راهبردهای منطقه‌ای ایران را برعهده دارد، در جریان سفر به امارات در واکنش نسبت به دفاع انصارالله از مردم مظلوم یمن بدون ارائه هیچ سندی با ادعای اینکه موشک‌های شلیک شده به سمت عربستان به